



آسیب‌های فردی و اجتماعی مدرنیزاسیون

با تمرکز بر
معدن ذغال سنگ هاشیما
در ژاپن

استاد راهنما: دکتر کلاهی

فاطمه زارع‌زاده
دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات ژاپن
دانشکده مطالعات جهان
دانشگاه تهران

از سری مقالات دانشجویی / ۴

انتشار در

مرکز مجازی مطالعات ژاپن

www.japanstudies.ir

تماس با ما:

info@japanstudies.ir

بسمه تعالی

پیشگفتار

کارانسان علاوه بر آن که با تجربه و دانش او آمیخته شده به صورت یک امر فرهنگی و ارزشی هم مطرح شده است و بدین ترتیب بین اندیشه، کار و روابط اجتماعی پیوندی ناگسستنی پدید آمده و تمدن و فرهنگ بشری در گرو این سه ویژگی است و این سه عامل از عوامل اساسی و ویژه تاریخ به شمار می‌رود. جامعه‌شناسی کار و شغل از دستاوردها و فرآورده‌های عصر صنعت به شمار می‌رود و به ظاهر حامل تکنولوژی و مسائل ناشی از آن است.

توجه به اهمیت کار و اشتغال و تدبیر در ابعاد و جایگاه آن، در تاریخ اندیشه و علم و فرهنگ ریشه دارد و آن چیزی نیست که جامعه صنعتی برای ما به ارمغان آورده باشد.

جامعه‌شناسی کار، بررسی و مطالعه گروه‌های انسانی است که از نظر ابعاد و وظایف متفاوتند و برای اجرای کار معین و مشترکی گرد هم آمده‌اند. مسائل مربوط به کار و روابط بیرونی این فعالیتها و همچنین روابط درونی افرادی که این گروهها را تشکیل می‌دهند همگی در قلمرو جامعه‌شناسی کار قرار دارد. دامنه جامعه‌شناسی کار بسیار گسترده است، زیرا این دانش نه تنها شامل جامعه‌شناسی صنعتی است بلکه بررسی واحدهای اجتماعی در کارهای غیرصنعتی، مانند گروههای کار اداری و بازرگانی و کشاورزی را نیز در بر می‌گیرد. اگر کار در وضعیت مناسب و درست انجام پذیرد تاثیرات مثبتی بر شخصیت فرد دارد. کار به خصوص کاری که بر انتخاب آزاد استوار باشد و با استعدادهای افراد مطابقت داشته باشد، عامل روانشناختی مهمی در ساخت شخصیت، ایجاد رضایت دائمی و احساس خوشبختی فرد است. به نظر فروید کار در ارتقای انسان به سوی کمال انسانی تاثیر دارد. کار از نظر اجتماعی در شکفتگی و تحرک تمدنها و از نظر فردی، در تحقق شخصیت فرد و سرنوشت او موثر است. اگر انتخاب کار ناصحیح و با فرد ناسازگار باشد، آثار مضر خواهد داشت.

مقدمه

کار یعنی انجام دادن وظایفی که مستلزم به خرج دادن تلاش ذهنی و جسمی است که برای تولید کالاها و خدمات تامین کننده نیازهای انسان انجام می گیرد. شغل به کاری گفته می شود که در مقابل دستمزد یا حقوق منظم و ثابتی انجام می گیرد. در همه فرهنگ ها کار شالوده اقتصاد است. نظام اقتصادی مرکب از نهاد هایی است که تولید و توزیع کالاها و خدمات را به انجام می رساند.

نظام های پیشامدرن عمدتاً مبتنی بر کشاورزی بود خصوصاً جامعه ژاپن که به دلیل داشتن زمین های حاصلخیز و منابع آبی فراوان بر پایه برنج کاری استوار بود. ولی با آمدن دوران می جی و شکل گیری انقلاب صنعتی و میل به داشتن جامعه مدرن، صنعت پیشرفت چشم گیری پیدا کرد. تقسیم کار بوجود آمد که یکی از ویژگی های نظام اقتصادی مدرن بود. ماشین آلات و تجهیزات مدرن برای بهره برداری از معادن از غرب وارد شدند. و تولید انبوه جای خودش را به صنایع کوچک خانگی می داد.

تا قبل از آن اکثر جمعیت روی زمین کار می کردند و جامعه ای سنتی بود که در همه تولیدات و مایحتاج زندگی خود خود کفا بودند. و خوراک و پوشاک و تمام ملزومات زندگی را خودشان تولید و تهیه می کردند. ولی با به وجود آمدن جامعه مدرن همه به هم وابسته شدند. و این یکی از خصوصیات اصلی جوامع مدرن است که به آن وابستگی متقابل اقتصادی می گویند. با شکل گیری صنایع مختلف نیاز به عامل تولید یعنی نیروی کار

هم روزه روز بیشتر می شد. و مردم ناخواسته مجبور بودند زمین های کشاورزی را رها کرده و به کار در صنایع و کارخانه جات روی آورند.

یکی از مکان هایی که مردم برای کار در دوران می جی به آن جا فراخوانده می شدند، معادن بودند. ژاپن منبع عظیمی از معادن ذغال سنگ خالص و مرغوب بود. اروپا از چندین سال قبل از ژاپن روند صنعتی شدن را آغاز کرده بود و نیاز شدیدی به انرژی پیدا کرده بود. میزان زیادی از انرژی مورد نیاز خود را از آسیا تامین می کرد و ژاپن هم می توانست از این فرصت استفاده کند و تولیدات خود را بالا ببرد تا سود زیادی را برای کشورش کسب کند.

ذغال سنگ این الماس سیاه یکی از منابع مهم انرژی بود که نقش مهمی را در حمایت از اقتصاد ژاپن در آن زمان ایفا کرد و حتی تولید آن تا بعد از جنگ جهانی دوم ادامه یافت. در روند پیشرفت سریع در دوران می جی به شرایط کار و سلامت کارگران در کارخانه جات و معادن توجه زیادی نمی شد و بیماری های واگیر دار زیادی در آن جاشیوع پیدا می کرد.

هدف این مقاله بررسی شرایط کار در ژاپن صنعتی در دوران می جی (۱۹۱۲-۱۸۶۷) برای کارگران با تمرکز بر یک معدن ذغال سنگ و روند تغییرات آن در پیش از آن دوران و پس از آن است. در این مقاله سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که آیا شرایط کاری در عصر مدرنیزاسیون تاثیری بر شرایط زندگی مردم داشته است؟ در صورت مثبت بودن جواب به چه آسیب های فردی و اجتماعی در جامعه آن روز ژاپن منجر شده است؟ آیا با بهبود شرایط اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم برای بهبود آن اقدامی شده است و یا این که نظام سرمایه داری در ژاپن همچنان به استثمار کارگران در شرایط ضعیف کاری پرداخته است؟

نوع پژوهش: مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه ای.

واژگان کلیدی: ژاپن، صنعت، معدن ذغال سنگ، کارگران

فصل اول

– سیر اقتصادی توجه به تولید انبوه ذغال سنگ در ژاپن:

با پیروزی دیوان سالاران عصر می جی در سال ۱۸۶۸ میلادی آن‌ها باید پایه‌های قدرت خود را مستحکم می‌کردند. و همچنین خود را در برابر رشد رقیبان هم قدرتمند می‌کردند. آنان شاهد این بودند که کشورهای غربی روز به روز قدرتمند تر می‌شدند و صنعت و علم پیشرفته آن‌ها حتی می‌توانست تفنگ و سلاح نظامی تولید کند. و سیله‌ای که هنوز در آسیا وجود نداشت. شعار آنان ایجاد ملت و کشور ثروتمند و نیروی نظامی قوی بود.

برای ثروتمند کردن جامعه و داشتن ارتش قوی باید راهی پیدا می کردند تا درآمد سرشاری را نصیب کشور کند و باید چیزی باشد که تقاضای جهانی برای آن زیاد باشد. در ژاپن آن دوران ابریشم مرغوب و فراوان وجود داشت. اول توجه دیوان سالاران می جی به تولید و صادرات انبوه ابریشم خام معطوف شد.

آن صنعت برای ژاپن یک اقتصاد جدید و واقعی را به ارمغان آورد. این صنعت به صورت دولتی اداره می شد. با صادرات فراوان (۱/۳ صادرات کشور) دولت با مزاد بودجه مواجه شد و آن را از بخش کشاورزی به بخش صنعت منتقل کرد. دولت کارخانه ساخت و کشتی جنگی خرید تا بتواند به آرمان های کشورش نزدیک شود ولی در اثر زیاده روی ناگهان با خزانه های خالی از پول مواجه شد.

در همان زمان بود که ایده خصوصی سازی شرکت ها و کارخانه ها مطرح شد. میتسویشی یکی از شرکت های دریانوردی بود که با دولت در بندر ناگازاکی رابطه نزدیکی را تشکیل داد که به تحریک جدی اقتصاد ژاپن منجر شد. آن شرکت تصمیم گرفت معدن ذغال سنگ واقع در هاشیما و تاکاشیما را از دولت خریداری کرده و شخصا آن را بهره برداری کند.

– جغرافیای جزیره هاشیما



وقتی از دوربه جزیره هاشیما نگاه می کنید ممکن است با همتای آن آلکاتراز اشتباه گرفته شود. یک تخته سیمانی که از اقیانوس بالا آمده است. کمتر کسی می تواند حدس بزند که این جزیره کوچک حدود ۴۰ سال قبل منطقه ای بوده که جامعه موفقی در آن می زیسته است. آن یکی از ۵۰۵ جزیره خالی از سکنه است که در شرق دریای چین در ۱۵ کیلومتری ناگاساکی قرار گرفته است. در سال ۱۹۵۹ جمعیت جزیره ۵۲۵۹ نفر بوده است. مساحت آن حدود ۶/۳ هکتار است و در

هر هکتار ۸۳۵ نفر زندگی می کردند که در آن زمان این میزان تراکم جمعیت در هیچ کجای دنیا وجود نداشت. حتی در مدرن ترین شهر ژاپن هم ۱۴۱ نفر در هر هکتار زندگی می کردند. اطراف جزیره را دیواری که ساخته دست انسان است در بر گرفته است. یک گنبد تخریب شده در بالای صخره ها قرار دارد. در داخل جزیره حتی یک درخت هم نمی توان پیدا کرد. میزان بارش در آن سالانه ۲۰۰۰ میلی متر است و میانگین دمای هوا ۱۵ تا ۱۶ درجه سانتی گراد است.

– جزیره تاکاشیما

چون سیر اقتصادی توجه به جزیره هاشیما به جزیره تاکاشیما مربوط می‌شود به همین دلیل با اشاره مختصری به تاریخچه این جزیره به ادامه بحث می‌پردازیم. تاکاشیما در ۲/۵ کیلومتری جنوب غربی هاشیما و ۴/۵ کیلومتری ناگاساکی قرار گرفته است. مردمی که برای قرن‌ها در تاکاشیما زندگی می‌کردند. ذغال سنگ را از سطوح زیر زمینی جمع‌آوری می‌کردند و برای مصارف خانگی بکار می‌بردند. آنها آن را (گوهیتا) می‌نامیدند و آن نام فردی بود که بر اساس افسانه‌های محلی روزی روی مواد آتش‌زا تلوتلو خورده و روی آن می‌نشیند و به طور ناخواسته آتشی را روی صخره‌های سیاه روشن می‌کند و در آن موقع بود که از رگه‌های موجود در آن صخره‌ها به عنوان ماده آتش‌زا استفاده شد.

بهره برداری از جزیره تاکاشیما

وقتی شبکه حمل و نقل گسترش پیدا کرد، در قرون ۱۸ تا ۱۹، مردم تاکاشیما ذغال سنگ را به خارج فروختند. اول به نمک فروشان ساحل جزیره ستو می‌فروختند. یک صنعت مهم ژاپنی‌ها در آن موقع تولید نمک بود که از رزین چوب درخت آناناس به عنوان سوخت برای خشک کردن آب دریا استفاده می‌کردند. ولی آن منجر به کاهش جنگل‌های آناناس در آن جا شد و ذغال سنگ جانشین خوبی به جای چوب درخت آناناس بود.

در آن زمان جزیره تاکاشیما یک قسمتی از سرزمین فنودال‌ها به نام خاندان فوکوهاری بود. جزیره قسمتی از پهنه نابه شیما از استان ساگا امروزی بود. آن‌ها وقتی سود حاصله از تجارت ذغال سنگ را دیدند، خاندان فوکوهاری حق مدیریت را برای خود برداشت و مردم جزیره را به عنوان نیروی کار گماردند و سود حاصله از ذغال سنگ را به عنوان ستون‌های اقتصادی مردم محلی قرار داد.

این سیستم ادامه پیدا کرد تا وقتی که ژاپن دره‌ایش را به سوی دنیا در سال ۱۸۵۰ باز کرد و ناگاساکی به عنوان نزدیک‌ترین بندر به چین اهمیت پیدا کرد. تجارت خارجی از آن بندر شکل گرفت و کشتی‌های باربری در آن جا لنگر می‌انداختند. آن زمان مصادف با وقتی بود که بریتانیا و آمریکا و دیگر کشتی‌های غربی در حال جایگزینی کشتی‌های بادبانی و کشتی‌های جنگی با کشتی‌های بخار بودند.

آن جایگزینی منجر به تقاضای بالا برای ذغال سنگ شد و متقاضیان از دور و نزدیک به شهر نابه شیما هجوم آوردند. حاکم دشت نابه شیما به فکر گسترش حجم تولید معدن در تاکاشیما افتاد و از یک تاجر اسکاتلندی به نام توماس بی‌کلورک (۱۸۳۸-۱۹۱۱) کمک خواست.

تا آن زمان روش های استخراج ذغال سنگ از معدن تاکاشیما قدیمی بود. معدن کاران سطح تماس زمین را با کلنگ خرد می کردند و آن را به طور عمودی حفر می کردند تا این که میزان ذغال سنگ حفره تمام می شد و همچنین حفاری دیگر خطرناک می شد و سپس به نقطه دیگر می رفتند. کلور ابزار معدن کاری جدید را از بریتانیا وارد کرد و مهندسان بریتانیایی را فرا خواند تا حفره ای عمودی روی جزیره ایجاد کنند. در آوریل ۱۸۶۹، دریل ها به بستر ذغال سنگ در ۴۵ متری زمین برخورد کردند و اولین معدن ذغال سنگ مدرن به این ترتیب در ژاپن شروع به کار کرد.

موفقیت عظیم در معدن ذغال سنگ تاکاشیما، ناگاساکی را مملو از ارزش های خارجی کرد و یک حرکت عظیم در توسعه معادن در جزایر نزدیک آغاز شد که از آن جمله جزیره هاشیما بود که مملو از توده هایی از صخره های بی خاصیت بود.

– تاریخچه جزیره هاشیما

تاریخ جزیره هاشیما مثل یک تغییر در خط مشی انرژی در ژاپن است که از دوران می جی شروع شد و تا دوران مدرن ادامه یافت. در حالیکه حق استخراج ذغال سنگ مخصوص معدن تاکاشیما فرض می شد، نابه شیما به خاندان فوکوهاری اجازه داد تا از رگه های ذغال سنگ جزایر نزدیک نیز بهره برداری کند. بعد از چند مرتبه شکست در این کار، خاندان فوکوهاری بالاخره موفق شد در سال ۱۸۸۷ در هاشیما دالان های زیرزمینی معدن را احداث کند و برای او این بار در آن جزیره ساکن شود.

بعد از سه سال آنان جزیره را به شرکت میتسوبیشی که در آن زمان یک شرکت دریایی بود در سال ۱۸۸۱ در ازای ۱۰۰ هزار ین فروختند. شرکت میتسوبیشی که امروزه خیلی مشهور است خیلی سریع گسترش یافت. آن پروژه ای را برای بهره برداری از ذغال سنگ از زیر دریا پایه ریزی کرد و به طور موفقیت آمیزی یک دالان زیرزمینی عمودی به طول ۱۹۹ متر در ۱۸۹۵ و دالان دیگری در سال ۱۸۹۸ احداث کرد.

هاشیما سالانه ۱۵۰ هزار تن ذغال سنگ تولید می کرد.

– ساخت آپارتمان های بتونی در جزیره هاشیما

شرکت از صخره هایی که رگه های ذغال سنگ از آن گرفته شده بود استفاده کرد تا آبادی ها و امکانات صنعتی و خوابگاه برای کارگران احداث کند. ساخت اولین ساختمان در جنوبی ترین نقطه جزیره در سال ۱۹۰۷ پایان یافت. دیوارهای بلند آن شکلی مانند یک ناو دریایی به جزیره داده بود که بر موج سوار است. شباهت آنقدر زیاد بود که یک گزارش گر محلی آن را (گون کان جیما) نامید. یک نام مستعار که خیلی زود به

عنوان نام رسمی جزیره به کار رفت. میتسویبیشی آپارتمان قوی سیمانی خود را در جزیره ساخت تا کمبود فضای مسکونی را جبران کرده باشد و از صدمات طوفان جلوگیری کند.

آن به عنوان اولین ساختمان بتونی ژاپن شناخته شده است. اولین ساختمان بتونی بلند دنیا در سین سینا تای آمریکا فقط ۱۴ سال قبل ساخته شده بود. ساختمان ساخته شده توسط میتسویبیشی مربع شکل و در ۶ طبقه ساخته شده بود. اتاق های مسکونی محدود ولی شخصی بودند. هر اتاق ۹ متر مربع (۶ تا تامی) وسعت داشت یک پنجره کوچک، در و یک راهرو کوچک داشت. بیشتر شبیه سلول راهبان بود تا آپارتمان ولی باز نسبت به مکان های زندگی قبلی آن ها یک پیشرفت مهم محسوب می شد. آشپزخانه و سرویس بهداشتی مشترک بود.

یک ساختمان دیگر دو سال بعد ساخته شد که بزرگتر بود و در مرکز جزیره قرار داشت. آن بلند ترین جزیره در ژاپن بود. یک آپارتمان E شکل که به سمت دریا ۹ طبقه، و به سمت صخره ها ۳ طبقه بود.

در مدت ۱۱ سال تا قبل از جنگ جهانی دوم، تعداد ۳۰ آپارتمان بتونی در آنجا ساخته شد. تا آن زمان در هیچ کجای ژاپن هنوز یک ساختمان بتونی هم ساخته نشده بود. ساخت آپارتمان در هاشیما ادامه می یافت و آن برای جذب تقاضا برای ذغال سنگ در زمان جنگ، یک تلاش ملی محسوب می شد.

فصل دوم

۲-۱- شرایط کار در معدن

معدن در عمق ۶۰۰ متری در زیر زمین احداث شده بود. دالان‌هایی به زیر دریا ساخته شده بود و کارگران به وسیله آسانسور از یک دالان بلند و باریک به آن جا می رفتند. جایی که ذغال سنگ از آن جا به بیرون حمل می شد یک سالن وسیع زیر زمینی بود ولی مکان‌های حفاری خیلی کوچک بودند و کارگران مجبور بودند تمام شیفت کاری را به حالت چمباتمه کار کنند. داخل دالان‌ها دمای هوا خیلی بالا بود و گاهی از ۴۵ درجه فراتر می رفت. مردان و زنان نیمه عریان باید درون دالان‌ها می خزیدند و کار می کردند.

شیفت کاری به صورت ۱۲ ساعته بود. معدن چیان اغلب دچار استرس و بیماری‌های روانی بودند. در اوایل تاسیس معدن که مدرسه و مهد کودک در جزیره احداث نشده بود پدران و مادران مجبور بودند کودکان را با خود به داخل معدن ببرند.

در سال ۱۹۳۷ ژاپن در گیر جنگ با چین بود و مردم از جمله کارگران کارخانه‌ها و معادن به جبهه‌ها فرا خوانده شدند. ژاپن با کمبود نیروی کار انسانی مواجه شد و مجبور بود نیروی لازم را از کشورهای مجاور و همچنین کره که در آن زمان مستعمره ژاپن بود تامین کند.

البته در آن زمان ژاپن کره را جزو کشور خودش می دانست و کره ای ها را به عنوان یک ژاپنی به خدمت می گرفت و در واقع آن ها برده به حساب نمی آمدند. کارگران هنگام کار مداوما توسط گاردهای ژاپنی تحت نظر بودند. تولید سالانه ذغال سنگ در هاشیما در سال ۱۹۴۱ به ۴۱۰ هزار تن رسیده بود. این دستاوردها حاصل تحمیل عوارض سنگینی بر بشر بود

در حالی که جوانان ژاپنی به میدان های جنگ با چین در اقیانوس آرام و جنوب شرق آسیا عازم شده بودند، دولت ژاپن تعداد زیادی از چینی ها و کره ای ها را به زور و با مزد کم به خدمت گرفت. کار استخراج با خطرات زیادی همراه بود. از سقف دالان ها خاک ذغال سنگ فرو می ریخت و دیواره های آن خطر ریزش و نشست آب داشت. احتمال برخورد با لوکوموتیوهای کوچک حمل ذغال سنگ و مرگ و آتش سوزی وجود داشت.

با آن که ظاهرا بین کارگران کره ای و ژاپنی فرقی قائل نبودند و کشور آن ها را جزو خاک خود به حساب می آوردند شرکت بابت مرگ یک کره ای به اندازه نصف غرامت پرداخت می کرد و در جاهای خطرناک از یک کره ای استفاده می نمود. با شروع جنگ جهانی دوم این شرایط بد تر می شد. کره ای ها وقتی وارد این جزیره می شدند آنرا مساوی با مرگ می دانستند. در هنگامی که کامیونی از ژاپن برای بردن کارگر به کره می آمد، جوانان از ۱۵ سال به بالا روزها را به کوهستان پناه می بردند و شب ها به خانه هایشان می آمدند. ولی مگر تا چه موقع می توانستند به کوهستان فرار کنند و بالاخره برده می شدند.

آمار کشته شدگان کره ای به نقل از اداره کار ژاپن ۵۰۰ نفر عنوان شده است و ۲۰۰ نفر از چینی ها هم در معدن کشته شده اند. آمار کل کره ای های وارد شده به ژاپن هم در آن زمان ۶۶۷۶۸۴ نفر بوده اند. در ماه ۴ تا ۵ کارگر در حوادث ناشی از کار تلف می شدند.

ایمنی کاری که امروزه وجود دارد، در آن موقع وجود نداشت. اجساد در ناگانو (جزیره ای نزدیک هاشیما) سوزانده می شد. هنگامی که وبا شیوع پیدا کرده بود شرکت همه کارکنان زنده و مرده را با هم در معدن سوزاند.

در اثر شرایط سخت کاری کارگران زیادی سعی کردند فرار کنند ولی نتوانستند چون هاشیما یک جزیره بود. نوشته های بجا مانده حاکی از این بود که وقتی کارگران در حال فرار دستگیر می شدند دچار سرنوشت هولناکی می شدند. حدود دهه ۱۸۹۰ شرح حالی از معدن چینی در روزنامه نوشته شده بود که در حال فرار توسط کارفرمای خود کشته شده بودند.

۲-۲- شرایط خوابگاه‌ها

اتاق‌های ساختمان بر اساس رده شغلی هر کسی به آن تعلق می‌گرفت. شرایط اتاق معدن کاران، کارمندان و رئیس‌ها با هم یکی نبود. خانه رئیس معدن بسیار مجلل بود و در قسمت جنوبی جزیره بر روی صخره ای بلند ساخته شده بود و اسکلت آن چوبی بود.

وسیع‌ترین اتاق‌ها در آپارتمان برای کارمندان رده بالا و یا کسانی که برای بازدید به جزیره می‌آمدند در نظر گرفته شده بود و درون آن‌ها سرویس اختصاصی هم وجود داشت. اتاق‌هایی که به کارگران تعلق می‌گرفت در طبقات پایین ساختمان قرار داشتند با پنجره‌های کوچک و تاریک و نور آفتاب خیلی کم بود. در روزهای بارانی آب باران وارد طبقات زیرین می‌شد.

در ساختمان‌ها اتاق کره‌ای‌ها فرق داشت و در ساختمان‌های حاشیه جزیره هم برده می‌شدند و ۷ تا ۸ نفر به یک اتاق فرستاده می‌شدند به طوری که هر کدام فقط چند فوت فضا داشتند. بیرون ساختمان‌ها با ملات پوشیده شده بود ولی داخل آن‌ها کثیف و بهم ریخته بود.

۲-۳- چگونگی رابطه کارگران و کارفرما

ظاهراً شرکت میتسوبیشی سعی داشته شرایط و امکانات مناسبی را برای کارگران فراهم آورد تا از فرار آن‌ها جلوگیری کند. آن‌چه که آشکار است در هیچ منبعی نوشته نشده است که کارگران به زور به جزیره آورده می‌شدند و افراد جویای کار همراه با خانواده و داوطلبانه به جزیره می‌آمدند.

ژاپنی‌ها نه تنها در آن زمان بلکه گفته می‌شود همواره حامی دولت و امپراطور خود بوده و در جهت اهداف دولت گام بر می‌داشتند. ولی در سال‌هایی که ژاپن درگیر جنگ‌های پی‌در پی شده بود بعضی افراد به جهت خستگی و استرس و شوک ناشی از جنگ یا از جنگ می‌گریختند یا از شرایط بد کاری در معادن و کارخانه‌جات. نظام سرمایه‌داری که در دوران صنعتی شدن در ژاپن رواج داشت به دنبال همان سیستم ارباب رعیتی بود در دوران فنودالی قبل از دوران می‌جی رواج داشت ولی در سطحی بزرگتر و با شرایطی متفاوت که از زمین‌های کشاورزی به صنایع بزرگ آورده شده بود.

تولید کارخانه‌ای، حاصل تغییراتی چند در شیوه‌های ابتدایی تولید بود که مشخص‌ترین آن‌ها دگرگونی در وضعیت اجتماعی کارگران بود. این دگرگونی در وهله اول به معنی تمرکز نیروی کار در یک کارگاه یا کارخانه و در نتیجه جدا شدن محل کار از خانه و محل زندگی فرد بود.

در مرحله دوم، نظارت دائمی کارفرما به کارگران و امکان مستقیم کار باعث شد که کار از آنچه در نظام استادکاری و تولید خانگی بود، پیچیده‌تر و گسترده‌تر شود.

در مرحله سوم، روند فوق تا حد زیادی با استفاده از نیروی ماشین و مکانیزه شدن کارها ملازمت داشت و از این رو کارفرمای صنعتی سرمایه ثابتی بس عظیم‌تر از آنچه که کارفرمای تاجر بدان نیاز داشت، باید به کار می‌گرفت. یکی از خصیصه‌های اصلی پیشرفت تاریخی سرمایه‌داری صنعتی به عنوان یک نظام اقتصادی، لزوم افزایش کارآیی نیروی کار بوده است.

۲-۴- معدن بعد از جنگ جهانی دوم

پایان جنگ جهانی دوم تغییرات اساسی را در هاشیما به ارمغان آورد. اهداف جدید و مهمی برای تولیدات آن ترسیم شد. تولیدات آن به جای بهره گرفتن در جنگ و ساختن آهن برای پوکه فشنگ و توپ، ذغال سنگ برای کوره‌هایی استفاده می‌شد که ابزاری تولید می‌کردند که ژاپن را از شکست و تحقیر نجات دهد. اما جنگ میان کره و ژاپن در سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۰۵ تناقض دیگری بود که معادن ذغال سنگ و کمایش هر صنعت دیگری ژاپن را به سوی دنیای طلایی شکوفایی و رشد پرتاب می‌کرد.

هاشیما دیگر از تمام امکانات برای ساکنین دارا بود. در فضای کافی در کنار آپارتمان‌ها یک مدرسه ابتدایی، دبیرستان، زمین بازی، سالن ژیمناستیک، سالن پذیرایی، سالن تئاتر، کافه، رستوران، ۲۵ مغازه خرده‌فروشی مختلف، بیمارستان، آرایشگاه، معبد بودایی و زیارتگاه شینتو.

وسایل نقلیه موتوری در آن وجود نداشت چون هر کسی می‌توانست خیلی راحت، پیاده به مقصد خود برسد. چتر هم نیازی نبود چون راهروهایی سرپوشیده و راه پله‌ها ساختمان‌ها را مثل یک سیستم بزرگراهی به هم متصل می‌کرد.

میتسوبیشی صاحب جزیره بود و هر چیزی که در آن وجود داشت و نوعی دیکتاتوری سخاوتمندانه در آن جزیره جریان داشت. خانه مجانی در اختیار کارکنان گذاشته بود و آب و برق مجانی و فقط از ساکنین می‌خواست که به نوبت نظافت ساختمان‌ها و محوطه عمومی را انجام دهد. بنابراین مردم هاشیما همگی زیر بال‌های شرکت جمع شده بودند و هدف مشترکی را دنبال می‌کردند و با وجود مشکلات کاری و کاستی‌های موجود همه را برای پیشرفت کشورشان تحمل می‌کردند.

ولی ذغال سنگ خوردنی نبود و مردم جزیره کاملاً برای بدست آوردن غذا و پوشاک و محصولات دیگر وابسته به خارج از جزیره بودند. حتی آب تمیز هم باید به جزیره حمل می‌شد. در سال ۱۹۵۷ آب از طریق

لوله کشتی زیر دریا به جزیره رسانده شد. هر طوفانی که بیش از یک روز باعث جلوگیری از حرکت کشتی‌ها می‌شد ترس و دلهره را برای اهالی هاشیما به همراه می‌آورد.

یکی دیگر از مشخصات جزیره این بود که خاک و گیاه در آن وجود نداشت. هاشیما هیچ چیز نبود جز انبوهی از ذغال سنگ که صخره‌ها را در بر گرفته بود. یک فیلم توسط شرکت shochiku در سال ۱۹۴۹ ساخته شد به نام (جزیره بدون سبزه) که تصویری از هاشیما بود. در سال ۱۹۶۳ جنبشی از طرف ساکنان انجام شد که خاک را از جزایر دیگر به هاشیما آوردند و روی پشت بام‌ها باغچه ساختند و از سبزیجات و گل‌های خانگی لذت می‌بردند. در همان سال بود که پلویز، یخچال و تلویزیون هم به جزیره راه پیدا کرد.

ولی خوش بینی آن زمان زیاد ادامه نیافت. در دهه ۱۹۶۰ بخت و اقبال هاشیما شروع به افول کرد. وقتی که اقتصاد ژاپن سیر صعودی پیدا می‌کرد و نفت و بنزین در سراسر جهان به عنوان انرژی ملی به کار گرفته می‌شد، تقاضا برای ذغال سنگ کاهش یافت و معادن ذغال سنگ در سرتا سر کشور یکی یکی بسته می‌شدند. میتسویشی کارگران خود را بر حسب نیاز آموزش می‌داد و آنها را به شعبه‌های وسیع دیگرش در نقاط دیگر می‌فرستاد. در سال ۱۹۷۴ شرکت مراسمی را در سالن ژیمانستیک برگزار کرد و بسته شدن معدن را رسماً اعلام کرد.

جزیره به سرعت خالی می‌شد. آخرین دسته ساکنان هنگامی که سوار کشتی می‌شدند که به سمت ناگاساکی می‌رفت فقط یک چتر در دست داشتند و به ساختمان‌های خالی می‌نگریستند.

در سال ۲۰۰۸ تصمیم گرفته شد که از جزیره به عنوان محل گردشگری استفاده شود و در سال ۲۰۰۹ به این منظور گشایش یافت و تلاش می‌شود در لیست آثار جهانی سازمان میراث فرهنگی ثبت شود. هاشیما نقش بزرگی را در توسعه صنعتی ژاپن ایفا کرد و شایسته نیست به دست فراموشی سپرده شود.

فصل سوم

۳-۱- آینده کار و صنعت

تافلر معتقد است که در نظام آینده، کارکارخانه‌های دودکشی از بین خواهد رفت و به واسطه خودکار شدن دستگاهها و کامپیوتری شدن ابزار تولید از میزان کارگران و کارکنان صنعتی کاسته خواهد شد. آنچه مهم است این است که در آینده در محیط کار «جدایی فکر و عمل» از بین می‌رود.

دعوت از کارمندان و کارکنان برای مشارکت در فرایند تدوین مقررات به معنای سهیم شدن در قدرتی است که روزگاری فقط در انحصار روسا بود. با جابه‌جایی قدرت در محل کار و با بالا رفتن دانایی کار، مشاغل به طور فردی خواهند شد. کارگران فکری جای کارگران یدی را می‌گیرند. آنچه زمانی در محل کار، قدرت بود، یعنی توان جسمانی و یدی جای خود را به دانایی و فکر می‌دهد.

جهان سوم نه تنها گرفتار کمبود اشتغال و سرمایه‌گذاری و عمومیت بیکاری است بلکه با کمبود تکنولوژی، پایین بودن سطح آموزش و مهارت، افزایش بی‌رویه جمعیت و مهاجرت روستائیان به شهرها دست به گریبان است و هیچیک از این مسائل نوید دورنمای مثبت و خوش‌بینانه‌ای برای ورود به عصر فراصنعتی نمی‌دهند، قبل از هر چیز باید این نارسایی‌ها حل و فصل شود.

۲-۳ - نتیجه گیری

یکی از فاکتورهای مهم تولید کار است چه فیزیکی و چه ذهنی و برای آن که نتیجه انجام کار مطلوب باشد شرایط و محیط مطلوب را هم می طلبد. در اوایل انقلاب صنعتی شرایط مناسب کاری در ژاپن نادیده گرفته می شد. در عرصه پیشرفت صنعت مواد شیمیایی مخاطره آمیزی تولید می شود که می تواند سلامت انسان ها را تهدید کند. سرعت در پیشرفت آنان را از توجه به این مهم بازداشته بود.

در دو دهه اول قرن بیستم با رواج کاپیتالیسم ، کارگران در ژاپن به خصوص در توکیو اعتراضات پر شور و حرارتی را ترتیب می دادند که تا آن روز در ژاپن دیده نشده بود. از قبیل حمله به پلیس و قرارگاه های آن و ادارات دولتی ، شکستن شیشه اتومبیل ها و صدمه به رانندگان و پخش کردن اوراق روزنامه ها در خیابان و اعتصاب غذا. ولی در هر حال حس وطن پرستی و احترام به خواست امپراطور و سردمداران مملکت آنان را به تلاش و کوشش برای نیل به اهداف دولت وامی داشت.

آثار زیان بار مدرنیزاسیون همیشه به دوش قشر کارگر به عنوان نیروی کار بوده است و چون اکثریت قریب به اتفاق جامعه را تشکیل می دهند آسیب به این قشر می تواند صدمات جبران ناپذیری را برای جامعه به همراه داشته باشد. ساخت جامعه هرچه باشد، احساس استثمار در کارگر باعث ایجاد نارضایتی و حتی حالات شدید عصبی می شود که ممکن است به طغیان بینجامد. کار مبتنی بر از خود بیگانگی، به همه اشکال آن، ممکن است موجب انحطاط و فساد شخصیت شود.

فهرست منابع

<岩垂弘 (いわたれひろし) : ジャーナリスト・元朝日新聞記者>
 ۲۰۱۰/۶/۷

「リベラル 21」より許可を得て転載 <http://lib21.blog96.fc2.com/>

石井寛治―「日本経済」―東京大学出版会― 1991

Hashima: The Ghost Island— Brian Burke-Gaffney— Issue v Failure Summer

۲۰۰۲

『高島町の足跡』、2 頁。『高島町政三十年の歩み』、47 頁。

柴田弘捷―(2003)―「「記憶」の無人島・軍艦島―廃鉱の島・長崎県端島―」

平凡社地方資料センター『日本歴史地名大系 43 長崎県の地名』平凡社、2001 年、250-251。

日本離島センター編『SHIMADAS: 日本の島ガイド』日本離島センター、2004 年 (第 2 版)、848 頁。)

長崎県大百科事典』長崎新聞社、1984 年、700-701 頁。

論文: 「山本作米短子がめぐって、書滅した近代と世界局遺産」
 choukorensenp 2011

阿久井喜孝、滋賀秀実編著『軍艦島実測資料集―大正・昭和初期の近代建築群の実証的研究―』1984 年東京電機大学出版会- p.668

『西日本新聞』1983.8 連載 6

阿久井喜孝、滋賀秀実編著『軍艦島実測資料集―大正・昭和初期の近代建築群の実証的研究―』1984 年東京電機大学出版会- p 636

Workers movement in late meiji Tokyo – Andrew Gordonn